



شجر اسجد مدین الدین چشتی اجمیری

خواجه معین الدین حسن چشتی سجزی^۱ اجمیری ، از اکابر مشایخ سونیه و پیشوای سلسله طریقت چشتیه در شبه قاره پاکستان و هند بوده است ، چنانکه مشهور است ، وی پس از سیدعلی بن عثمان هجویری صاحب کشف المحجوب ، بزرگترین و مهمترین شصیت تسوف اسلامی میباشد که شمع نور اسلام را در آن دیار بدرخشش در آورد^۲ وی اولین بار ، سلسله طریقت عرفانی را در آنجا بنیان نهاد و بساط ارشاد را گسترده و مقبولیت و محبوبیت فراوانی بدست آورد . اینک در اینجا مختصری در باره زندگی وی و چندی راجع به آثار او نگاشته می شود و بخدمات و مقامات دینی و عرفانی وی ، در شبه قاره پاکستان و هند ، اشاره ای می رود .

خواجه معین الدین چشتی که بالقاب سلطان الهند^۳ ، ولی الهند^۴ ، هندالنبی^۴ ، وارث النبی فی الهند^۵ ، خواجه خواجگان^۴ ، خواجه اجمیری^۵ و خواجه غریب نواز^۵ معروف است ، در اصل سیستانی و یا از قریه چشت از توابع هرات بود .

در سال ۵۳۷ هجری بدینا آمد . پدر بزرگوارش خواجه غیاث الدین حسن از سادات حسینی بوده است که نسب شریفش با پنج واسطه به حضرت امام رضا علیه السلام موصول می گردد^{۱۴} در پانزده سالگی ، پدرش در گذشت و باغ و ملک وی ، خواجه ، به ارث گرفت . گویند روزی خواجه بدرختان آب می داد که درویش ابراهیم قندوزی در باغ وی آمد . از صحبت درویش نور هدایت در باطن خواجه لامع گشت . دلش از املاک و اسباب سرد شد ، خانه و اثاثه را فروخته بشوق تحصیل علم و فضل راه سمرقند در پیش گرفت . مدتی در سمرقند و بخارا به حفظ کلام الله و کسب علوم ظاهری پرداخت . سپس روی به عراق عرب نهاد و در نواحی نیشابور ، در قصبه هارون بخدمت و ملازمت شیخ عثمان هارونی نایل آمده^۶ ، در

* آقای دکتر محمد اخترچیمه از محققان جوان پاکستانی .

اوان جوانی از اصحاب و مریدان وی شده خرقه خلافت یافت^۷. مرشدش از مریدی خواجه افتخار داشت و می فرمود که :

« معین الدین ما محبوب خدا است و مرا فخر است بر مریدی او^۸. از آن پس خواجه به بغداد رفت و بقولش از محضر عارفان بزرگ زمان مثل شیخ عبدالقادر جیلانی (م. ۵۶۱ هـ) و شیخ ضیاء الدین ابوالنجیب سهروردی (م. ۵۶۳ هـ) و شیخ نجم الدین کبری (م. ۶۱۸ هـ) و شیخ شهاب الدین عمر سهروردی (م. ۶۳۲ هـ) اکتساب فیض و برکت نمود^۹. و بعد از بیست سال مصاحبت با خواجه عثمان هارونی و سفرهای بسیار در بلاد اسلامی و دیدار با چندتن از مشایخ معروف آن عصر، بولایت هندوستان مأمور گردید. چنانکه از راه اصفهان و غزنی به لاهور رسیده مدتی بر مزار سید علی هجویری معتکف شد^{۱۰} بعداً به موطنان رفته زبان هندی یاد گرفت و به دهلی روی نمود. از آنجا به شهر اجمیر رسیده سکنی گزید. در آنجا در ترویج دین مقدس اسلامی اهتمام تمام داشته و طریقه تصوف چشتیه را در آن سرزمین رواج داده است. صاحب کرامات و خوارق عادات می باشد و در جمیع علوم ظاهری و باطنی یگانه زمان بوده است. سرانجام در همان شهر، در سال ۶۳۳ هجری رخت از این جهان فانی به دار باقی بر بست و مرقد وی تاکنون در اجمیر زیارتگاه خاص و عام روزگار است^{۱۱}.

آثار و تصانیف خواجه - درباره آثار و تصانیف وی، میان نویسندگان و محققان متأخر اختلاف آراء می باشد. صباح الدین می نویسد که از خواجه تصنیف مستقلی باقی نمانده مگر چند کتاب که به نام وی منسوب کرده اند مانند : ۱- رساله در کسب نفس ۲- رساله وجودیه ۳- حدیث المعارف ۴- گنج اسرار. البته خواجه ملفوظات مرشد خویش خواجه عثمان هارونی را بنام « انیس الارواح » در ۲۸ مجلس جمع آوری کرده بود. اما شارب تمام کتب مذکور را از آثار خواجه و غیر از اول الذکر بقیه را نایاب گردانیده است^{۱۲}. خزانم دکتر ممتاز بیگم از شارب نیز قدمی جلوتر گذاشته و در رساله دکتری خویش به عنوان « کتابهای تصوف بزبان فارسی در شبه قاره پاکستان و هند » تألیفات متعدد را در ذیل خواجه معین بر شمرده است. نگارنده مقاله حاضر از مطالعه کتب مختلف و فهراس نسخه های خطی کتابخانه های ایران و جهان آنچه که در ضمن مؤلفات وی کسب کرده، در اینجا می آورد.

۱- انیس الارواح^{۱۳} - این کتاب مجموعه ملفوظات و ارشادات خواجه عثمان هارونی است. خواجه معین هر چه در مجالس صحبت پیر بزرگوار گوش می داد می نوشت و بصورت کتاب تدوین می کرد. کتاب در ۲۸ مجلس بموضوعات زیر منقسم می باشد.

مجلس اول : در احکام ایمان . مجلس دوم : در مناجات آدم علیه السلام . مجلس سوم : در خرابی شهرها . مجلس چهارم : در فرمانبرداری زنان . مجلس پنجم : در احکام صدقه . مجلس ششم : در شراب مویز . مجلس هفتم : در آزار مؤمنان . مجلس هشتم : در قذف گفتن . مجلس نهم : در کسب کردن . مجلس دهم : سخن در مصیبت . مجلس یازدهم : در کشتن جانوران . مجلس دوازدهم : در احکام سلام کردن . مجلس سیزدهم : در کفارت نمازهای گذشته . مجلس چهاردهم : در فضیلت الحمد لله و سوره اخلاص . مجلس پانزدهم : در اهل جنت . مجلس شانزدهم : در فضیلت مسجد . مجلس هفدهم : در گرد کردن مال دنیا . مجلس هجدهم : سخن در عطر .

مجلس نوزدهم : در بانگ نماز. مجلس بیستم : در مؤمنان. مجلس بیست و یکم : سخن در روا کردن (۴) برادر مسلمان . مجلس بیست و دوم : در کیفیت آخر الزمان . مجلس بیست و سوم : در یاد کردن مرگ . مجلس بیست و چهارم : در باب فرستادن چراغ در مسجد. مجلس بیست و پنجم : در باب درویشان. مجلس بیست و ششم : در شلوار و پیراهن . مجلس بیست و هفتم : در امیران جابر و علمای دنیا دوست . مجلس بیست و هشتم : در توبه و سلوک افتاده بود ۱۴ . بدین طریق انیس الارواح کتابیست در مضامین شریعت و طریقت و معانی یقین و تموف .

۲- حدیث المعارف - اسم این کتاب در برخی از کتب تواریخ و تذکره ها یاد شده . اما نسخه ای از آن در دست نیست ۱۵ .

۳- دلیل العارفين - این مجموعه سخنان و ملفوظات خواجه معین الدین چشتی، گرد آورده خلیفه وی خواجه قطب الدین بختیار اوشی کاکمی میباشد . نسخه عکسی آن محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران چنین آغاز میشود : «بسمله . این صحیفه علوم ربانی و این تحفه فقه مبانی از کلمات جان پرور ملک المشایخ سلطان السالکین منهاج العارفين قطب الاولیاء شمس الفقراء ختم المجتهدین معین الملة والدین حسن سجزی ادام الله تقواه شنوده می آید و جمع کرده شد ، در این مجموعه که نام اوست « دلیل العارفين » ، نبشته آمد به دو تفصیل : تفصیل اول ، در فقه و صلوة و مکتوبات و تسبیح و اوراد و جز آن . تفصیل دوم : در سلوک و فواید آن ۱۶ . اما بنا به نوشته خانم دکتر ممتاز ، مصنف آن را به چهار قسم تقسیم نموده : قسم اول ، در فقر و صواب . قسم دوم ، در مکتوبات و تسبیح . قسم سوم ، در اوراد و جزو آن . قسم چهارم ، در سلوک و فواید آن ۱۵ . پیداست عنوانات و عبارات یکی است . و بدست کاتبان و نساخان این چنین اختلافات در نسخه ها روی میدهد . در کتاب اخبار الاخیار فی اسرار الابرار ۱۷ برخی از اقوال خواجه معین چشتی مقتبس از دلیل العارفين مبسوط و مسطور است . اما بعضی از محققان در صحت انتساب دلیل العارفين شك داشته و آن را از گفتار خواجه نمی دانسته اند .

۴- رساله آداب دم زدن ، بنا به تحقیق نگارنده مقاله ، این رساله با نامهای متعدد شهرت دارد ، مثل رساله آداب دم زدن ، رساله در کسب نفس ، رساله گفتار خواجه معین الدین حسن سجزی بقول شارب ، رساله آفاق و انفس ۱۸ نیز یکی از نامهای همین رساله میباشد . نسخه ای بعنوان رساله آداب دم زدن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در مجموعه شماره ۴۶۷۲ موجود است و مورد استفاده نگارنده قرار گرفته است . آغازش به این ترتیب است : «رساله من تصنیفات حضرت خواجه معین الدین حسن سجزی قدس الله سره العزیز ، میان رگها که در وجود آدمی است . » از آغاز معلوم میشود که رساله مشتمل بر سخنان خواجه چشتی است و کسی دیگر آن را مدون ساخته است . رساله شامل دیباچه و دو باب است . در باب دوم خواجه از مرشد خویش یادی برده است باین طریق : «آن وقت که پیر دستگیر حضرت خواجه عثمان هارونی بر فقیر عنایت فرمودند و بنواختند که حضرت پیر دستگیر روح فقیر را پیش روح حضرت رسالت پناه برد . » ۱۹ مضامین و مطالب رساله بسیار جالب و دارای جنبه ابتکاری

میباشد که مؤلف موضوع رساله را از رگهای وجود انسانی شروع کرده به ریاضات و مجاهدات و مشاهدات صوفیه پیوسته بیان می‌کند که تأثرات اینها چه طور بر رگها می‌افتد و وجود انسانی چه طور تأثیر می‌گیرد و در ضمن بیانات، اصطلاحات زبان هندی هم بکار برده شده است.

۵- رساله‌ای در تصوف - چندین نسخه بنام رساله‌ای در تصوف، رساله عرفانی، گفتار خواجه معین‌چشتی^{۲۱} و رساله خواجه معین‌الدین سجزی^{۲۱} در کتابخانه‌های مختلف خارج از ایران وجود دارد. چون امکان رؤیت میسر نبود بطور قطع نمیتوان گفت که این رساله دیگری است یا همان « رساله آداب دم‌زدن » میباشد. خانم دکتر ممتازیگم « رساله تصوف منازم »^{۲۲} را ردیف مؤلفات خواجه یادآور شده است.

۶- رساله وجودیه - نسخه‌ای از این رساله در کتابخانه شخصی سیدمفیدالدین در لاهور نگهداری می‌شود که آغازش به این طرز است: « بسمله. چنان می‌گوید که اول حق تعالی خواست که خود را بیند و از خود نور جدا کرده تماشای خود کند »^{۲۳}. نسخه دیگری این رساله در مخطوطات شیرانی دانشگاه پنجاب لاهور محفوظ است^{۲۴} ولی آغاز آن، بروایت تاریخ ادبیات دانشگاه پنجاب لاهور^{۲۵}، با آغاز « رساله آداب دم‌زدن »^{۲۵} مرتبط دارد.

۷- کشف الاسرار - بکلمه خانم دکتر ممتازیگم^{۲۶}، خواجه معین رساله کشف الاسرار معروف به معراج الانوار را برای طالبان و مریدان در قیام هند تألیف نموده و در آن از تعلیمات حبس دم و ذکر خفی و چهار منزل ناسوت و ملکوت و جبروت و لاهوت یاد شده است. طبق تحقیق نگارنده مقاله حاضر، مطالب این کتاب در مجموعه رسایل خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شماره ۴۶۷۲ (ص ۸۷ پ - ۱۰۲ ر)، بعد از رساله آداب دم‌زدن می‌باشد. و این رساله در لاهوت و ملکوت و ناسوت و یاهوت و جبروت و شدل اسم ذات چشتیان و حیدریان و نقش‌زدیان^{۲۷} شامل است^{۲۷} و برخی از عبارات آن با « رساله آداب دم‌زدن قابل تطبیق است.

۸- گنج الاسرار - نسخه‌ای از این کتاب در مخطوطات شیرانی دانشگاه پنجاب لاهور موجود است بنام « مخطوطات گنج الاسرار مؤلفه خواجه معین‌الدین سجزی »^{۲۸}: بروایتی خواجه این را بر ارشاد مرشد خود، خواجه عثمان هارونی، برای تعلیمات سلطان شمس‌الدین التتمش در دوران سکونت دهلی خود نگاشته است. در مواردی از قرآن، اخبار و اقوال بزرگان استدلال شده و کتاب مشتمل بر بیست و پنج معرفت است: معرفت اول: دانستن و دریافت نمودن شریعت. معرفت دوم: طهارت و نظافت ظاهر و باطن. معرفت سوم: عام شریعت و طریقت و حقیقت و معرفت. معرفت چهارم: جذبیه اصطلاح باطن و استقامت در راه مشکل. معرفت پنجم: حق سبحانه تعالی با رسالت پناه. معرفت ششم: بیان قرآن. معرفت هفتم: تربیت حضرت رسالت. معرفت هشتم: باقسام کفر و توبه. معرفت نهم: عرفان مذهب حقیقی. معرفت دهم: دریافتن جمیع. معرفت یازدهم: در علم توحید. معرفت دوازدهم: دانستن معرفت. معرفت سیزدهم: تأمین مرشد کامل. معرفت چهاردهم: ذکر فی القلب معرفت پانزدهم:

احتیاج مرشد . معرفت شانزدهم : اعمال قلبی . معرفت هفدهم : عبادت خفی و جلی . معرفت هیجدهم : فیض صاحب‌دل . معرفت نوزدهم : تشریف‌آوری حضرت خواجه عثمان مارونی در دل . معرفت بیستم : مقام عالی تحیر و محویت . معرفت بیست‌ویکم : پیوستن صنی سماع . معرفت بیست‌ودوم : دربارهٔ رسالت . معرفت بیست‌وسوم : مقامات پانزده خواجه‌گان چندی . معرفت بیست‌وچهارم : علوم چهارده . معرفت بیست‌وپنجم : فنا و بقا . گنج‌الاسرار در حقیقت گنجینهٔ آداب صوفیانه میباشد . بهمین علت این کتاب به گنج اسرار خوانده شده است .^{۲۹}

۹- مکاتیب - چند مکتوب خواجه در کتابخانه‌های مختلف جهان مانند : انجمن ترقی اردو کراچی^{۳۰} . دانشگاه پنجاب لاهور ، بادلیان لندن^{۳۱} اندیا آفس لندن محفوظ مانده است که به‌مرید و خلیفه و جانشین خود خواجه قطب‌الدین بختیار اوشی کاکلی تهریسی کرد . این مکاتیب خزینهٔ گران‌بهای تصوف و وسیلهٔ تربیت و هدایت سالکان و طالبان میباشد .

۱۰- وصول المعراج - نسخهٔ خطی این رساله در کتابخانهٔ آسیایی بنگال کلکته نشان داده شده است^{۳۲} از لحاظ اسلوب بیان و طرز نگارش ، نزدیک به تمام تصانیف خواجه بزبان ساده و سلیس تألیف گردیده است .

گذشته از آثار منثور متعدد خواجه ، از آثار منظوم وی نیز مقداری ابیات و رباعیات در کتب تاریخی و عرفانی دیده میشود . رباعی زیر درصفت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام در برخی تذکرها ثبت است :

ای بعد نبی بر سر تو تاج نبی
وی داده شهان ز تیغ تو باج نبی
آنی تو که معراج تو بالاتر شد
یک قامت احمدی ز معراج نبی^{۳۳}

بقول مرحوم سعید نفیسی بعضی از رباعیات شیخ ابوسعید ابوالخیر با خواجه معین چشتی مخلوط گشته است^{۳۴}

دیوانی نیز مشتمل بر بیشتر از هزار بیت بنام خواجه منسوب است و در لکهنو و کانپور و لاهور چندین مرتبه بچاپ رسیده است . ولی محققان این دیوان را از مولانا معین‌الدین فراهی هروی^{۳۵} (م . ۹۰۷۰ ق) گردانیده‌اند .

علاوه بر آن کتاب فواید الفوائد و کتب مخ‌المعانی و رساله‌ای در طریقهٔ شطارهم به‌اونسبت داده‌اند ،^{۳۶} . در صورتیکه مؤلفان این کتابها کسانی دیگر میباشد .

مقامات و خدمات دینی و عرفانی خواجه - حاصل آنکه خواجه معین چشتی در دانش فارسی و تصوف اسلامی مقامی ارجمند داشته است . در احوال و مقامات و مناقب وی کتابی چند نگارش یافته است مانند : مونس الارواح تألیف جهان آرا بیگم دختر شاهجهان پادشاه سمورکانی‌هند . کتاب معین الاولیاء تألیف قاضی سید امام‌الدین خان اجمیری . کتاب وقایع شاه معین‌الدین چشتی تألیف بابولال هند و .^{۳۷} تاریخ خواجهٔ اجمیر معروف به احسان‌السیر مطبوعه آگره ۱۹۱۵ م . سوانح خواجه غریب‌نواز ، چاپ آگره ۱۹۲۱ م .^{۳۸} و خواجه غریب‌نواز (انگلیسی) مصنفهٔ ظهور الحسن‌شارب ، لندن ۱۹۶۱ م .^{۳۹}

میگویند زمانی خواجه به‌اجمیر رسید ، مرکز سلطنت رای پنهور آنجا بود و به قدم

مبارک خواجه حکوهت او ازین رفت . بهمین ترتیب قبل از ورود خواجه به سرزمین پهناور
هند، ظلمات کفر غایب داشت و بت پرستی متداول بود ، چنانکه شاعری گفت :

همه غافل از حکم دین و شریعت همه بی‌خبر از خدا و پیمبر
نه هرگز کسی دیده هنجار قبله نه هرگز شنیده کس الله اکبر

سپس چون خواجه در بلده اجمیر رحل اقامت گزید و در آنجا به راهبری خلائق
و ارشاد عوام پرداخت و به مساعی جمیله وی هند پر از نور اسلام گردید، سخن سرائی فرمود:

از تیغ او بجای سلیب و کلمبسیا در دار کفر مسجد و محراب و منیراست
آنجا که بود نعره فریاد مشرکان اکنون خسروش نعره الله اکبر است ۴۰

شاید بهمین دلیل بعضی‌ها خواجه را مروج مذهب اسلام در شبه قاره ۴۱ گفته‌اند .

اکثر ارباب سیر و اهل تواریخ در باب مقامات و خدمات دینی و عرفانی خواجه کم و

بیش نگاشته‌اند . شاهزاده داراشکوه نسبت به اعتقاد هندوان به خواجه چنین رقم پرداز
است : « جمع کثیری از کفار به برکت قدوم ایشان مشرف به اسلام شدند و جماعتی که مسلمان
نشده بودند فتوح دینار بیحد بخدمت ایشان می‌فرستادند و هنوز کفاری که در آن نواحی‌اند
به زیارت ایشان می‌آیند و مبلغ‌ها به مجاوران روضه منوره می‌گذرانند . » ۴۲

خواجه معین‌میریدان و جانشینان زیادی داشت. از همه آنها خواجه قطب‌الدین بختیار
اوشی کاکلی (م . ۶۳۳ ق) و خواجه حمیدالدین صوفی سؤالی ناسموری (م . ۶۷۳ ق)
معروف‌تراند . خواجه قطب‌الدین در دهلی شمع اسلام را منور ساخته و ناگوری در راجپوتانه
و نواحی آن مشغول تبلیغ و اشاعت اسلام و عرفان گردیده بود . لیکن سلسله طریقت چشتیه
در شبه‌قاره پاکستان و هند از راه خواجه قطب‌الدین پیش رفته است .

از مشهورترین خلفای وی خواجه فریدالدین گنج شکر (م . ۶۶۴ ق) میباشد .
خواجه فرید از خدمت خواجه معین نیز اکتساب فیض کرده بود . خواجه فرید علاوه بر دیگران
دو نفر از میریدان خویش : مخدوم علاءالدین علی احمد صابر کلپری (م . ۶۹۱ ق) و سلطان-
المشایخ خواجه نظام‌الدین اولیاء بدایونی دهلوی (م . ۷۲۶ ق) را چنان تربیت ساخت
که بنام هر دو شیخ بزرگوار سلسله چشتیه صابریه و سلسله چشتیه نظامیه بوجود آمد .

از تربیت یافتگان خواجه نظام‌الدین اولیاء ، خواجه امیر خسرو دهلوی و خواجه
امیر حسن سجزی دهلوی به شاعری نام بردار شده‌اند . و شیخ نصیرالدین محمود چراغ-
دهل (م . ۷۵۷ ق) در تصوف مقامی بلند یافته است . پس از چراغ دهل ، خواجه سید محمد
میسودراز (م . ۸۲۵ ق) در دکن به نشر و اشاعت دین مبین اسلام مأمور گشت و تصانیف
متعدد در عرفان اسلامی از وی مانده است ۴۳ .

همچنین در سلسله چشتیه صابریه نیز کسانی مثل شیخ عبدالقدوس گنگوهی (م . ۹۴۵ ق)
و شیخ نظام‌الدین تھانیسری (م . در حدود ۱۰۲۴ ق) دارای تألیفات صوفیانه بوده‌اند .
پس خواجه معین سرچشمه اولیای کبار و از مشایخ عظام دیار هند است . نزد شاهان
و امیران معاصر و متأخر مقامی محترم داشته است . بروایت بعضی از تذکره‌نویسان سلطان

شهاب‌الدین محمد غوری (م. ۶۰۲ ق) و سلطان شمس‌الدین التتمش (۶۰۷ - ۶۳۳ ق) از منتقدانش بودند^{۴۴}. میرسید حسین ختنگ سوارمشهدی، حاکم اجمیر شیعی مذهب، نیز از ارادتمندان خواجه بود^{۴۵} همینطور از سلاطین متأخر سلطان محمود خلجی (۸۳۹ - ۸۸۰ ق) در زمان خویش تعمیر مزار خواجه کرد. بعد اکبر پادشاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴ ق) در احاطه آستانش مسجد بنا نمود و گویند اکبر از شهر سیکری پیاده به اجمیر زیارت درگاه شریف وی می‌رفت^{۴۶}.

نورالدین جهانگیر (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ ق) نه‌بار برای دیدار روضه مبارک به اجمیر مسافرت کرد و مدتی آنجا مقیم ماند. سپس شاهجهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸ ق) در توسیع و تعمیر بارگاه اجمیر همت وافر بکار برد^{۴۷}. از اولاد شاهجهان، محمد داراشکوه^{۴۸} و جهان‌آرا بیگم^{۴۹} - که هر دو برادر و خواهر طبایع منصوفانه داشته و صاحب آثار بوده‌اند، عشق و علاقه بسیار به خواجه وانمود کرده‌اند.

بدلایل مذکور مقام و عظمت خواجه‌معمین از حیث مؤلف و مصلح و مبلغ اسلام‌نمایان و آشکار است. مردم به‌تعداد زیادی به کوششهای خواجه، دین مقدس اسلام را پذیرفته و کسب فیض روحانی کرده‌اند. مقصود خواجه و پیروان وی فقط اشاعت اسلام نبود بلکه توسیع و ترویج اسلام حقیقی بود که برای عموم مسلمانان لازم و ضروری می‌باشد.

۴ فروردین ۱۳۵۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال منابع و مراجع

۱ - سجزی یاسگری به انتساب سجستان یاسستان - یکی از استانهای ایران میباشد اما بعضی از ارباب سیر نسبت وی را بخط سنجری نوشته‌اند مانند هفت اقلیم. تهران، ج ۱ ص ۲۸۵، اخبارالاکخیار، دهلی ۱۳۰۹ ق، ص ۲۲، تذکره حسینی، نولکشور لکهنو ۱۲۹۲ ق، ص ۲۹۴. ۲ - آب کوثر، طبع هفتم لاهور، ص ۱۹۶. ۳ - آب کوثر، طبع هفتم لاهور، ص ۱۹۳. ۴ - ریحانة الادب، چاپ تبریز، ج ۳ ص ۹۰. ۵ - تأثیر معنوی ایران در پاکستان، لاهور، ص ۷. ۶ - سفینه الاولیا، داراشکوه، نولکشور کانپور ۱۸۸۴ م، ص ۹۳، اما در هفت اقلیم، تهران ج ۱ ص ۲۸۵ - ۲۸۶ در ذیل خواجه‌معمین‌الدین نگاشته است «بخط وی نوشته دیده‌شد که در بنیاد بمسجد جنید دولت ملازمت خواجه عثمان حاصل کردم». ۷ - بروایت

تذکره حسینی نولکشور لکهنو ۱۲۹۲ ق ، ص ۲۹۶ «مبین المله هنگام خرقة یافتن پنجاه و دو ساله بود . . . و در تاریخ ادبیات ، دانشگاه پنجاب لاهور ، ج ۳ ص ۱۰۴ چنان توضیح داده شد که «خواجه معین در ۲۰ سالگی مرید شیخ عثمان هارونی گردیده و در ۵۲ سالگی خرقة خلافت یافته است . . . ۸- سفینه الاولیاء ، داراشکوه ، نولکشور کانپور ۱۸۸۴م ، ص ۹۳ . ۹- هر یک از این بزرگان مذکور مؤسس سلسله طریقت اسلامی میباشد . البته بروایت سفینه الاولیاء ص ۹۳ ، تذکره حسینی ، ص ۲۹۶ ، آب کوثر ، ص ۲۰۱ خواجه معین با شیخ حسین زنجانی و خواجه یوسف همدانی و شیخ ابوسمیه تبریزی و شیخ اوجده الدین کرمانی هم صحبت داشته است . لیکن بدلائل تاریخی مصاحبت خواجه با شیخ حسین زنجانی و خواجه یوسف همدانی غیر ممکن بنظر می رسد . ۱۰- چنانکه اقبال لاهوری گوید ، سید هجویر مخدوم امم - مرقد او پیر سنج را حرم کلیات اقبال ، اسرار خودی ، تهران ، ص ۳۷ . ۱۱- اخبار الاخیار ، ص ۲۲ ، سفینه الاولیاء ، ص ۹۴ ، نزحة الخواطر ، حیدرآباد دکن ، ج ۱ ، ص ۱۳۶ ، تاریخ نظم و نثر در ایران ، سعید نفیسی ، تهران ، ج ۱ ص ۱۵۴ . ریحانة الادب ، چاپ دوم تبریز ، ج ۳ ص ۹۰ و ج ۵ ص ۳۴۹ ، روز روشن چاپ تهران ، ص ۷۴۹ . ۱۲- تاریخ ادبیات ، دانشگاه پنجاب لاهور ، ج ۳ ص ۱۰۶ ، ونیز رك ، حال ، آبان ۱۳۳۲ ، کراچی ، ص ۵۳ . ۱۳- انیس الارواح در لکهنو بسال ۱۸۹۰ میلادی چاپ گردیده است ، فهرست کتابهای چاپی فارسی ، تهران ۱۳۵۰ ، ج ۱ ، ص ۵۹۰ . ۱۴- نسخ خطی فارسی موجود در کتابخانه های لاهور ، پایان نامه دکتر ی خانم خالده ، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، ش ۱۸۵ ، ص ۵۳۲-۵۳۵ . ۱۵- کتابهای تصوف بزبان فارسی در شبه قاره ، پایان نامه دکتر ی خانم ممتاز بیگم ، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، ش ۱۸۶ ، ص ۱۱۲ . ۱۶- دلیل العارفین ، نسخه عکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، شماره ۲۴۵۰ ، ص ۱۵ ، نیز رك ، تاریخ ادبیات ، دانشگاه پنجاب ، ج ۳ ص ۱۳۵-۱۳۸ . ۱۷- اخبار الاخیار ، دهلی ۱۳۰۹ ق ، ص ۲۲-۲۳ ، انوار صوفیه اردو ترجمه اخبار الاخیار ، لاهور ۱۹۵۸ م ، ص ۲۹-۳۲ . ۱۸- تاریخ ادبیات ، دانشگاه پنجاب لاهور ، ج ۳ ص ۱۰۴ ، ونیز مقایسه شود با کاتالوگ کتابخانه اندیا آفس ج ۱ ص ۱۰۳۵ و ج ۲ ص ۱۲۷۸ که عنوان آن «رسالة آفاق و انفس» یاد شده است . ۱۹- رساله آداب دم زدن ، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، شماره ۴۶۷۲ ، ص ۸۵ . ۲۰- فهرست نسخه های خطی فارسی ، منزوی ، تهران ج ۲ ص ۱۱۶۶-۱۱۶۷ . ۲۱- فهرست مخطوطات شیرانی ، دکتر بشیر حسین ، لاهور ، ج ۲ ص ۲۲۱ . ۲۲- کتابهای تصوف بزبان فارسی در شبه قاره ، ص ۱۲۴ . ۲۳- نسخ خطی فارسی موجود در کتابخانه های لاهور ، ص ۲۳۸ . ۲۴- فهرست مخطوطات شیرانی ، لاهور ، ج ۲ ص ۲۶۴ . ۲۵- ص ۱۰۵ «رسالة وجودیه من کلام حضرت خواجه معین الدین حسن سجزی رحمه الله علیه در بیان رگها که در وجود آدمی انده» . ۲۶- کتابهای تصوف بزبان فارسی در شبه قاره ، ص ۱۲۵ . ۲۷- مقایسه شود با ، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، ج ۱۴ ص ۳۶۲۲ . ۲۸- فهرست مخطوطات شیرانی ، لاهور ، ج ۲ ص ۲۵۷ . ۲۹- کتابهای تصوف بزبان فارسی در شبه قاره ، ص ۱۲۶-۱۲۷ . ۳۰- فهرست نسخه های خطی فارسی ، منزوی ، ج ۲ ص ۱۴۴۸ . ۳۱- فهرست نسخه های خطی فارسی منزوی ج ۱ ص ۱۰۷۵ ، ونیز رك ، کتابهای تصوف بزبان فارسی در شبه قاره ، ص ۱۲۸ که در آنجا به شش مکتوب خواجه اشاره رفته است . ۳۲- فهرست نسخه های خطی فارسی ، منزوی ، ج ۲

ص ۱۴۸۳. ۳۳- آتشکده آذر باهتمام دکتر شهیدی . تهران . ص ۳۵۸ ، ریاض العارفین ، کتابفروشی محمودی تهران ، ص ۲۱۱ ، مجمع الفصحاء ، بکوشش دکتر مصفا ، ج ۳ ، ص ۱۲۴۰ .

تذکره حسینی ، نولکشور ، ص ۳۰۲ . ۳۴- ذریعه ، جزء ۹ ، قسم ۳ ، ص ۱۰۷۷ . ۳۵- برای شمه‌ای از احوال وی رک : حبیب السیر ، ج ۴ ص ۳۴۰ . ۳۶- تاریخ نظم و نثر در ایران ، سعید نفیسی ، تهران ، ج ۱ ص ۱۵۴ ، فواید الفوائد ، مجموعه ملفوظات خواجه نظام‌الدین اولیاء ، مرتبه امیر حسن دهلوی شاعر معروف فارسی است . کتاب مخ‌المعانی ، از مؤلفات شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری (۷۸۲ ق) میباشد . نزهة الخواطر ج ۲ ص ۱۰ ، و نیز رک : تاریخ ادبیات ، دانشگاه پنجاب لاهور ، ص ۱۶۶ - که نام مرتب آن شیخ شهاب‌الدین عماد نگاشته شده است . رساله‌ای در طریقه شطار ، یکی از شیخ عبدالله شطاری (اخبار الاخیار ، دہلی ، ص ۱۷۱) . و دیگری از شیخ بهاء‌الدین شطاری (انوار صوفیه اردو ترجمه اخبار الاخیار . لاهور ص ۴۳۹- ۴۴۰) باقی مانده است . ۳۷- تاریخ نظم و نثر در ایران . نفیسی . ج ۱ ص ۱۵۴- ۳۸ . تأثیر معنوی ایران در پاکستان ، ص ۷ . ۳۹- تاریخ ادبیات . دانشگاه پنجاب لاهور ، ج ۳ ، ص ۱۰۴ ج ۲ . ۴۰- آب کوثر ، ص ۲۰۲-۲۰۴ . ۴۱- مجمع الفصحاء ، بکوشش دکتر مصفا ، ج ۳ ص ۱۲۴۰ . ۴۲- سفینه الاولیاء ، ص ۹۳ ، و مقایسه شود ، آب کوثر ، ص ۲۰۳ ، تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج از ایران ، پرفسور عباس مهرین شوشتری تهران ۱۳۵۲ . ص ۶۵ که جمله نخستین درباره خواجه معین این است : « پارسائی بود که مزاد او زیارتگاه مسلم و سندیست » . ۴۳- تاریخ ادبیات ، دکتر مصفا ، انتشارات دانشگاه تهران - ج ۳ ص ۱۷۵ . ۴۴- آتشکده آذر ، باهتمام دکتر شهیدی ، ص ۳۵۸ ، ریاض العارفین ، هدایت ، چاپ محمودی تهران ، ص ۲۱۰ ، مجمع الفصحاء ، هدایت ، بکوشش دکتر مصفا . ج ۳ ص ۱۲۴۰ . رضاقلی‌خان هدایت در هر دو کتاب خویش « سلطان شمس‌الدین » التتمش را با شتاب « سلطان شمس‌الدین فسوری » نگاشته است . ۴۵- آب کوثر ، ص ۲۰۹-۲۱۰ . ۴۶- سرزمین هند . حکمت ، تهران ، ص ۶۵ ، ج ۱ . ۴۷- آب کوثر ص ۲۰۸ . ۴۸- در سفینه الاولیاء ، ص ۹۳ نوشته که : « قبر حضرت خواجه در دارالاسلام اجمیر است و این فقیر چندین مرتبه بزیرت آن روضه متورده مشرف گشته... و ببرکت ایشان حق تعالی این کمترین بنده خود را بوجود آورد » . ۴۹- در فهرست بریتیش میوزیم ، ج ۱ ، ص ۳۵۷ ثبت است که جهان آرا بیگم در سال ۱۰۵۳ ق با پدرش بسنا سبت تقدیم تصنیف خویش - مونس الارواح - بر مزار خواجه چشتی اجمیری رفته بود .